

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسؤولیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





http://jlr.sdil.ac.ir/article_43942.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۳، بهار - تابستان ۱۳۸۷
صفحات ۲۲۱ الی ۲۳۶، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۴

حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی

علی رضائی* و دکتر مصطفی‌السان**

چکیده: آگاهی از حقوقی که فرصت‌های برابری را برای معلولان در مقایسه با سایر شهروندان فراهم می‌کند، از اهمیت فراوان برخوردار است. در این مقاله، این دسته از حقوق، با در نظر گرفتن قوانین داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، حقوق داخلی در مقایسه با اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورهایی که در این مقاله موضوع بررسی بوده، دارای کاستی‌های فراوانی است و ضرورت دارد تا در این زمینه همگامی لازم با تحولات نوین بین‌المللی در باب حقوق آموزشی کودکان معلول فراهم شود. به علاوه، هرچند قانون جامع حمایت از معلولان گام‌های مثبتی را در جهت حمایت از حقوق معلولان به‌طور کلی برداشته است؛ با این همه در حقوق آموزشی مربوط به این قشر از افراد جامعه، باید اقدامات لازم برای هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: کودکان معلول، حقوق آموزشی، اسناد بین‌المللی، حقوق ایران، حقوق امریکا

مقدمه

پیشرفت‌های صنعتی و علمی به دست آمده در اواخر قرن هجدهم و وقوع عصر رنسانس و

* دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

** استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

انقلاب صنعتی، توجه تمام کشورهای دنیا را به برنامه‌ریزی‌های منظم آموزشی و پرورشی، خصوصاً برای کودکان، به خود معطوف نمود. در این مسیر، عده‌ای صرفاً به دلیل کم‌توانی ذهنی یا جسمی به حاشیه رانده شدند و از این جهت مشکلات زیادی به وجود آمد. با اینحال، از همان ابتدا روانشناسان و استادان جامعه‌شناسی به تحلیل چالش‌ها و معضلات اجتماعی ناشی از ماشینی شدن پرداخته و به لحاظ مبانی فلسفی و جامعه‌زمان خویش، بحث حمایت از کودکان را مطرح ساختند.

در کنوانسیونهایی که بعداً به تصویب رسید، حقوق آموزشی اشخاص کم‌توان به رسمیت شناخته شد و این عقیده مبنای عمل قرار گرفت که آموزش و پرورش - صرف نظر از اینکه دانش آموز تا چه سطحی توانایی ذهنی برای ارتقاء آموزشی داشته باشد - از حقوق تمامی افراد است و صرف کم‌توانی ذهنی یا جسمی نباید مانع یا عامل محدود کننده‌ای از نظر دریافت امکانات آموزشی و تحصیلی به حساب آید.

حقوق آموزشی به‌عنوان یکی از مسلم‌ترین حقوق شهروندی معلولان، به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته است. این بی‌توجهی - بویژه در حقوق داخلی - ناشی از آن است که ابعاد این حقوق به‌طور دقیق در قوانین و مقررات یا نظامات مربوطه مشخص نشده است. مقاله حاضر با رهیافت حقوق امریکا و اسناد بین‌المللی به حقوق آموزشی کودکان کم‌توان، درصدد ارائه الگویی برای حقوق داخلی است که کاربردی شدن آن مستلزم ورود در قوانین و مقررات داخلی است. در این مقاله، با تکیه بر مقررات داخلی و بین‌المللی، به بررسی حقوق آموزشی اشخاص کم‌توان خواهیم پرداخت. در این بررسی بدون قائل شدن تفاوت، میان کودکان کم‌توان ذهنی یا جسمی، درصدد اثبات این مهم هستیم که تمامی کودکان، حق برخورداری از آموزش و پرورش سالم و کارآمد را دارند و از این جهت، هرگونه تبعیضی میان کودکان توانا و کم‌توان، خلاف موازین حقوق شهروندی و حقوق بشر و معیارهای بین‌المللی است.

آگاهی از حقوقی که فرصتهای برابری را برای معلولان همانند دیگر افراد فراهم می‌کند، به دلایل زیر از اهمیت فراوان برخوردار است:

- اطلاع از زبان و مفهوم قوانین و مقررات، والدین را قادر می‌سازد تا به بهترین وجه از حقوق فرزندانشان دفاع کرده و توانایی آنها را جهت آموزش به کودکانشان، به‌عنوان والدین، قدرت می‌بخشد.

- آگاهی از قوانین و مقررات، در استقلال اشخاص مؤثر بوده و بهتر می‌تواند در فهم افراد معلول در تصمیم‌گیری‌ها کمک کند.

- اطلاع از مقررات مربوطه، به متخصصان در درک و تحلیل خدماتی که توسط سیستم ارائه می‌شود، کمک کرده، حمایت از حقوق شهروندی را تضمین نموده و همکاری متخصصان با سازمانها و والدین را بهبود می‌بخشد.

- اطلاع و آگاهی از قوانین و مقررات، به والدین و متخصصان کمک می‌کند تا با مساعدت همدیگر، فرصت آموزش برابری را برای کودکان معلول ایجاد کنند که قانون نیز آن را مورد حمایت قرار می‌دهد.

به منظور آشنایی با نظامهای مختلف حقوقی و اطلاع از میزان حقوق آموزشی معلولان، ضرورت دارد تا نخست، وضعیت موجود قوانین داخلی را مورد بررسی قرار داده، بعد حقوق آموزشی ایشان را در مقررات بین‌المللی مورد مطالعه قرار دهیم و در گفتار سوم، حقوق ایالات متحد آمریکا را در این باره بررسی نمائیم تا در نتیجه، خلأهای حقوق داخلی مشخص گردد.

گفتار نخست: حقوق آموزشی کودکان کم‌توان در مقررات داخلی

در مورد حقوق معلولان - در مفهوم عام - این نکته مهم را باید ذکر نمائیم که خوشبختانه، «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان»، (از این به بعد: قانون جامع) در شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید. این قانون که نقطه عطفی در لحاظ حقوق معلولان به شمار می‌آید، در ۱۶ ماده، همانطور که عنوان آن نیز دلالت دارد، برای حمایت جامع از حقوق معلولان وضع شده است. ماده ۱ قانون مذکور، در حکمی آمره دولت را موظف به فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تأمین حقوق معلولان و حمایت از ایشان نموده است.

تبصره ماده ۱ قانون جامع به تعریف «معلول» اختصاص دارد، و به موجب آن:

«منظور از معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود».

اصل سیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف به تأمین وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه، برای همه افراد ملت می‌نماید. بدیهی است که در شمول این اصل نسبت به اشخاص کم‌توان نباید تردید کرد؛ لذا دولت ملزم است - ولو با هزینه‌های بیشتر- امکانات مناسب برای تحصیل کودکان کم‌توان ذهنی با توجه به درجه توان آنها (تربیت‌پذیر، آموزش‌پذیر و...) فراهم سازد. علاوه بر این بنا بر ماده ۱ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل جوانان ایرانی مصوب مردادماه ۱۳۵۳:

«کلیه اطفال ایرانی که واجد شرایط تحصیل می‌باشند باید بدون هیچگونه مانعی به تحصیل پردازند و هیچکس نمی‌تواند آنان را از تحصیل باز دارد جز با مجوز قانونی».

اطلاق این ماده شامل کودکان کم‌توان نیز خواهد بود و لذا جلوگیری از تحصیل ایشان نیز منجر به مجازات مقرر در ماده ۴ قانون مذکور که پرداخت جزای نقدی است، خواهد شد. البته - همانگونه که برخی از حقوقدانان نیز به حق تصریح کرده‌اند - قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل جوانان ایرانی از قوانین متروک به حساب می‌آید که در عمل مورد توجه و استناد دادگاهها قرار نگرفت. مجازات مقرر در ماده ۴ مذکور نیز ضمانت اجرای بسیار پائینی به حساب می‌آید، لذا در «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» ضمانت اجرای سنگین‌تری برای ممانعت از تحصیل کودکان در نظر گرفته شده است.^۱

در اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنائی، مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۹ کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی طراحی سیستم آموزشی، پرورشی و توانبخشی به نحوی که ناتوانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان و دانش‌آموزان استثنائی جبران گردد و اینگونه کودکان و دانش‌آموزان بتوانند پس از گذراندن مراحل تحصیلی خود موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب شرایط خویش را به دست آورند، از جمله اهداف (ماده ۲) و وظایف (ماده ۳) سازمان مذکور ارزیابی شده است.

با نگاهی به مقررات داخلی ایران مشخص می‌گردد که قانون جامع، در حال حاضر مهمترین و آخرین سند قانونی است که حقوق آموزشی کودکان کم‌توان را به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۳ این قانون، سازمان بهزیستی مکلف شده تا در چارچوب

۱. امیرحمزه زینالی، «نوآوری‌های قانون جامع حمایت از کودکان و نوجوانان و چالشهای فراروی آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، ش ۷، بهار ۱۳۸۲، صص ۷۸-۷۷.

اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالانه اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف - تأمین خدمات توانبخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی مورد نیاز معلولان با مشارکت خانواده‌های معلولان و همکاری بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه) و پرداخت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیردولتی و خانواده‌ها.

ب - گسترش مراکز نگهداری، آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمند، معلولان بی‌سرپرست، معلولان مجهول‌الهویه، معلولان با ناهنجاری‌های رفتاری) با همکاری بخش غیردولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه (کمک هزینه) به آنها.

ج - تأمین و تحویل وسایل کمک آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان و ارائه خدمات توانبخشی حرفه‌ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان.

نکته جالب و مثبت قانون جامع، طرح مسأله مشارکت خانواده‌های معلولان و همکاری بخش غیردولتی اعم از خصوصی، تعاونی و مؤسسات خیریه برای ارائه خدمات توانبخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی معلولان است و از این جهت که پرداخت یارانه از سوی بهزیستی به مراکز غیردولتی پیش‌بینی شده است، این راهکار می‌تواند در تأمین نیازها و رفع مشکلات معلولان نقش عمده‌ای ایفا نماید.

در بند (د) ماده فوق بر مسأله بازتوانی شغلی و حرفه‌ای معلولان از طریق گسترش کارگاه‌های آموزشی، حمایتی و تولیدی برای این دسته از افراد تأکید گردیده و در واقع مسأله مهم «آموزش با هدف بازتوانی و بازگشت مؤثر برای شرکت مفید معلولان در فعالیتهای اقتصادی جامعه» را مطرح ساخته که از این حیث ارزشمند به نظر می‌رسد. در مورد تحصیلات عالی و دانشگاهی، قانون جامع در ماده ۸ مقرر می‌دارد:

«معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی بهزیستی کشور از آموزش رایگان واحدهای تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاههای دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، بهره‌مند گردند».

اگرچه قانون جامع، به گونه‌ای تحسین‌آمیز و واقعاً «جامع» حقوق معلولان را مدنظر قرار داده است؛ اما حقیقت این است که میان مرحله «قانونگذاری» و «اجرا» تفاوت وجود دارد. لذا اجرای قانون جامع خصوصاً از جنبه آموزش و پرورش - نیازمند «فرهنگ‌سازی» است.

برای تحقق تمام اهداف مورد نظر مجلس و دولت در مورد اشخاص کم‌توان باید این امر در میان مردم نهادینه شود که اشخاص کم‌توان نیز جزئی از جامعه و از اعضای ثابت زندگی اجتماعی هستند. «مردم باید تشویق شوند که حقوق دیگران را محترم شمارند و بر رعایت قانون، اصرار ورزند».^۲

هرچند قانون جامع حمایت از معلولان به ابعاد فرهنگی نیز توجه داشته و برای مثال در ماده ۱۲، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را مکلف ساخته که حداقل دو ساعت از برنامه هفتگی خود را در زمان مناسبی به پخش برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی‌های معلولان اختصاص دهد؛ با اینحال هنوز هم دیدگاه «مظلوم‌انگاری» اشخاص کم‌توان - ولو به گونه‌ای کم‌رنگ‌تر از گذشته - بر فرهنگ سایه انداخته و تا رسیدن به این باور که در صورت برنامه‌ریزی، آموزش و پرورش صحیح و برگزاری مستمر دوره‌های کارگاه‌های توانبخشی و بازتوانی، معلولان نیز می‌توانند همانند دیگران در صحنه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی حاضر شوند، فاصله زیادی وجود دارد.

گفتار دوم: حقوق آموزشی کودکان کم‌توان در اسناد بین‌المللی و حقوق شهروندی

در این گفتار، ابتدا به بررسی مفاد اسناد بین‌المللی موجود از حیث حقوق آموزشی کودکان معلول پرداخته و سپس این حق را از منظر حقوق شهروندی و حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. حقوق آموزشی کودکان کم‌توان در اسناد بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمره نخستین تلاشها برای شناسایی حداقل حقوق، برای افراد بشر است. ماده ۲۶ این اعلامیه در ۳ بند به امر مهم آموزش و پرورش، اختصاص یافته است. بند ۱ ماده مذکور، آموزش ابتدائی را «اجباری» می‌داند که دلالت بر اهمیت امر آموزش دارد. به موجب بند ۳ همان ماده، «پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش

2. Roth Kenneth, "Defending Economic, Social and Cultural Rights: Practical Issue Faced by an International Human Rights Organization", *Human Rights Quarterly* 26 (2004), vol. 26, no. 1, February 2004, p. 65.

فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند». بهره‌مندی از آموزش و پرورش حق همگان است و لااقل تا حدی که مربوط به تعلیمات ابتدائی و اساسی است، باید مجانی باشد (بند ۱). لذا دولت مکلف به تأمین آموزش و پرورش رایگان برای تمام کودکان - از جمله کودکان کم‌توان - است.

ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای طرف میثاق را ملزم به شناسایی حق آموزش و پرورش برای همگان می‌نماید و در بندهای ۲ و ۳ بر همان مسائلی اصرار دارد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است.

کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات که در اجلاس کنفرانس عمومی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسیده، با تأکید بر لزوم رفع تبعیض در زمینه آموزش، «تبعیض» را شامل هرگونه وجه تمایز خاص، محرومیت، محدودیت و یا ترجیحی می‌داند که بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر، ملیت یا وضع اجتماعی اصلی، شرایط اقتصادی یا تولد باشد و موضوع یا نتیجه آن از بین بردن تساوی رفتار نسبت به افراد در برخورداری از تعلیمات یا تحریف آن باشد.

در اسناد پیش گفته، به طور خاص آموزش و پرورش کودکان کم‌توان مورد بررسی قرار نگرفته است؛ با وجود این، تصویب و پذیرش آنها توسط اکثر کشورهای جهان، زمینه حمایت همه جانبه و جهانی از حقوق کودک را فراهم ساخت.

اعلامیه حقوق کودک که در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید را باید نقطه عطفی در لحاظ حقوق کودکان بشمرد. در حمایت از حقوق کودکان کم‌توان، ماده ۵ اعلامیه مذکور مقرر می‌دارد:

«کودکی که از لحاظ بدنی، فکری یا اجتماعی معلول است باید تحت توجه خاص، آموزش و مراقبت لازم، متناسب با وضع خاص وی قرار گیرد».

در قسمت اخیر ماده ۹ اعلامیه مذکور نیز تصریح شده که کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی می‌گردد.

از میان اسناد بین‌المللی، آنچه که به طور جامع به تضمین حقوق کودکان اختصاص

دارد و کودکان کم‌توان را مورد توجه خاص قرار داده، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است که در ۵۴ ماده به تصویب رسیده است.^۳ ماده ۲۳ این کنوانسیون به حقوق کودکان کم‌توان اختصاص دارد. به موجب بند ۱ ماده مذکور:

«کشورهای عضو کنوانسیون اذعان دارند، کودکی که از نظر ذهنی یا جسمی، دچار نقص می‌باشد، باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکا به نفس باشد و شرکت فعال کودک را در جامعه تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار گردد».

مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون، حقوق آموزشی کودکان را مورد توجه قرار داده است؛ به گونه‌ای که دولت‌های عضو مکلف به رسمیت شناختن حق کودک نسبت به آموزش و پرورش شده‌اند و برای تحقق این امر، دولت‌ها ملزم به فراهم ساختن شرایط زیر هستند:

الف - اجباری و رایگان نمودن تحصیلات ابتدائی برای همگان.

ب - تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه و ..

در ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، هدف از آموزش و پرورش، «پیشرفت شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان، توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزشهای ادبی و ملی، آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای مملو از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی میان تمام مردم، گروههای قومی، مذهبی، ملی و اشخاص دیگر و توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی» قلمداد شده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۱ اعلامیه‌ای با عنوان «اعلامیه حقوق کودکان عقب مانده ذهنی» تصویب نمود که در آن حقوقی برای کودکان کم‌توان ذهنی و تکالیفی برای دولت متبوع ایشان مقرر گردیده است. در این اعلامیه، از جمله بر لزوم تساوی بین کودکان کم‌توان با سایر افراد، برخورداری از خدمات بهداشتی و آموزشی و حمایت از اشخاص کم‌توان ذهنی تأکید گردیده است.^۴

۳. شیرین عبادی، حقوق کودک، نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران، تهران، انتشارات کانون، چاپ

چهارم، ۱۳۷۵، صص ۱۷۱-۱۴۵.

۴. محمد کمالی و فریبا ایران، «مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت»، فصلنامه رفاه اجتماعی،

از دیگر اقدامات مهمی که به‌طور کلی با هدف حمایت از معلولان در سطح بین‌المللی انجام گرفت، اعلامیه سازمان ملل متحد درباره اشخاص معلول بود که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اواخر سال ۱۹۷۵ صادر گردید. این اعلامیه تساوی حقوق مدنی و سیاسی اشخاص معلول با افراد دیگر را، از جمله در زمینه تحصیلات، آموزشهای حرفه‌ای و شغلی و خدمات مرتبط مورد تأکید قرار می‌دهد.^۵ از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست ۱۶ دسامبر ۱۹۷۶ خود، سال ۱۹۸۱ را با شعار «مشارکت کامل و برابری» به‌عنوان سال جهانی معلولان نامگذاری کرد و در این سال به درخواست مجمع عمومی و دبیر کل سازمان ملل متحد اقدامات چشمگیری در زمینه امور مرتبط با معلولان از جمله کار ایشان صورت گرفت.^۶

هرچند نامگذاری سال ۱۹۸۱ به‌عنوان سال جهانی معلولان توجه برخی از دولتها را برانگیخت، هنوز هم برای رسیدن به مطلوب راه زیادی در پیش است. در همین راستا، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ فاصله سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۲ را به‌عنوان «دهه جهانی معلولان» نامگذاری نموده و علاوه بر آن سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۳ را «دهه معلولان آسیا-اقیانوسیه» و سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۱ را بنام «دهه معلولان آفریقا» نام نهاد.^۷

مصوبه «قوانین استاندارد برای معلولان» در سال ۱۹۹۳ نیز راهکار مناسبی برای پرداختن به موضوع حقوق کودکان معلول می‌باشد. این مقررات در حجمی گسترده و با نگاهی همه‌جانبه به جنبه‌های مختلف زندگی معلولان تلاش دارد تا دولتها را بار دیگر به لزوم رعایت حقوق معلولان متوجه سازد، لکن ضمانت اجرای این قانون و مصوبات برای دولتها مانع از برخورداری معلولان از زندگی مناسب شده است.^۸ در «کنفرانس جهانی آموزش افراد استثنائی، دستیابی و کیفیت» سالامانکا، اسپانیا ۷-۱۰ ژوئن ۱۹۹۴ چارچوبی عملی برای آموزش افراد استثنائی ارائه شد. علاوه بر این در

←

سال دوم، ش ۷، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۰۷-۱۰۶.

5. O'Reilly, Arthur, The Right to Decent Work of Persons With Disabilities, IFP/Skills Working Paper NO. 14 Represented in Expert Group Meeting and Seminar on an International Convention to Protect and Promote the Rights and Dignity of Persons with Disabilities Bangkok, Thailand, 2-4 June 2003, p. 16. available at: www.ilo.org/public/english/employment/skills/disability/download/rightwork.pdf.
6. *Ibid.*

۷. محمد کمالی و فریبا ایران، پیشین، ص ۱۰۸.

۸. همان.

اجلاس جهانی آموزش و پرورش در داکار سنگال (۲۸-۲۶ آوریل ۲۰۰۰) سند مهمی با عنوان «چارچوب عمل داکار - آموزش برای همه: عمل به تعهدات جمعی» تصویب گردید که آموزش و پرورش را یک حق می‌داند.

۲-۲. حقوق شهروندی و حقوق آموزشی معلولان

پیشرفت مفاهیم حقوق شهروندی، موجب شمول آن به حوزه‌های جدیدی شده است. در واقع، با شناسایی حقوق بنیادین برای بشر، توسعه در قلمرو اجرائی آن گاه به‌عنوان تضمین همان حقوق لازم بوده است. با وجود این، حقوق آموزشی، در دسته حقوقی قرار دارد که از همان ابتدا به رسمیت شناخته شده و وارد اعلامیه جهانی حقوق بشر شده است. در نگاه تحلیلی، حقوق آموزشی از آن جهت در دسته حقوق شهروندی قرار دارد که آموزش‌های متناسب با تحولات فرهنگی و سیاسی، ضامن بقای در جامعه و دفاع از حقوق خویش و افرادی است که شخص به مناسبت نقش‌های فرهنگی، دفاع از ایشان را بر عهده می‌گیرد. عدم پذیرش چنین حقوقی در مورد معلولان، مفهومی جز وابسته ساختن آنها به دیگران و قائل نبودن حق «استقلال» به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر برای ایشان ندارد. لازمه دور ماندن از چنان تعابیر غیرحقوق بشری، پیش‌بینی تمام امکانات و تسهیلات آموزشی برای معلولان است که حداقل برای سایر افراد جامعه در نظر گرفته شده است. شاید بتوان با توسل به اصول شهروندی در این باره نیز قائل به توسعه بود و معتقد گردید که چون نیازهای معلولان، توجه ویژه و امکانات خاص را می‌طلبد، لذا دولت‌ها باید امکانات متناسب با ویژگی‌های آنها فراهم نمایند. تعلق این مفاهیم به گذشته حقوق بشر، این جرأت را به مدافعین می‌دهد که عدم شناسایی آن را از سوی هر کشور و در هر حوزه‌ای که باشد مورد نقد قرار داده و حسب مورد از موارد بی‌توجهی یا نقض حقوق بشر محسوب دارند.

گفتار سوم: بررسی موردی: تحولات حقوق امریکا

در کشور امریکا، تصویب نخستین قانون فدرال در جهت کمک به افراد ناتوان به زمانهای اولیه شهرنشینی مدرن بر می‌گردد. در سال ۱۷۹۸، در پنجمین کنگره، قانونی در خصوص

مراقبت از افراد ناتوان (معلول) به تصویب رسید.^۹ این قانون به بیمارستان دریایی اجازه می‌داد تا خدماتی را به دریانوردان معلول ارائه دهد. در سال ۱۹۱۲، این خدمات به «خدمات سلامت عمومی» شهرت یافت. تا قبل از جنگ جهانی دوم، قوانین پراکنده‌ای وجود داشت که به دولت اجازه می‌داد تا به افراد معلول خدماتی ارائه دهد. در عین حال بسیاری از مدارس از پذیرش افراد معلول خودداری می‌کردند. اما از دهه ۱۹۶۰، قوانین (اعم از قوانین ایالتی و فدرال) و آرای زیادی در جهت حمایت از افراد معلول به تصویب رسید که از حقوق افراد معلول حمایت می‌کرد و برخورداری از آموزش رایگان و عمومی را برای ایشان، تضمین می‌نمود.

تحت تأثیر همین تحولات قانونی، امروزه در امریکا، دید مردم نسبت به افراد ناتوان و خانواده‌های ایشان تغییر کرده، به گونه‌ای که مردم با اینگونه افراد با ترحم برخورد کرده و سعی می‌کنند، حتی الامکان به آنها کمک نمایند. دلیل این تغییر نگرش مردم نسبت به افراد معلول را در سال ۱۹۹۴ می‌توان مشاهده کرد که بیش از ۵ میلیون کودک و جوان معلول به موجب قانون آموزش افراد معلول، از آموزش و خدمات مرتبط با آن بهره‌مند شدند.

تلاش دولت فدرال در جهت شناسایی حقوق معلولان نیز گسترش یافته است. هریس و همکارانش در تحقیقی که به سال ۱۹۸۹ برای مرکز بین‌المللی معلولان انجام دادند، چنین نتیجه گرفتند که کودکان معلول، امروزه از خدمات آموزشی بهتری نسبت به ۱۰-۱۲ سال گذشته برخوردار هستند و همچنین والدین چنین کودکانی از نحوه آموزش آنها، احساس رضایت می‌کنند. اما به هر حال بسیاری از خانواده‌ها و حتی متخصصین از این قوانین اطلاعی ندارند. به موجب این گزارش ۶۱٪ از والدینی که مورد تحقیق قرار گرفتند، از حقوقشان به موجب قانون آموزش معلولان و بخش ۵۰۴ قانون توانبخشی مصوب ۱۹۷۳ اطلاع اندکی داشته یا هیچگونه اطلاعی نداشتند. حتی بخش عمده‌ای از این والدین (۸۵٪) از حقوق آموزش شغلی اطلاعی نداشتند. در نهایت، اکثریت والدین و معلمینی که مورد تحقیق قرار گرفتند، آموزش مناسب و کافی در خصوص آموزشهای ویژه، ندیده بودند.

9. Braddock D., *Federal policy toward mental retardation and developmental disabilities*, Baltimore, MD: Paul H. Brookes Publishing Company, 1987.

۳-۱. قوانین سابق فدرال در خصوص آموزش

نگاهی به ۲۵ سال گذشته نشان می‌دهد که حمایتها و تضمینهای دولت فدرال از حقوق آموزشی افراد معلول در حال تکمیل و گسترش بوده است. اولین قانون فدرال در جهت حمایت از آموزش کودکان معلول ریشه در «قانون آموزش ابتدائی و راهنمایی مصوب ۱۹۶۵» دارد. هدف این قانون تقویت و بهبود کیفیت و فرصت آموزش در مدارس ابتدائی و راهنمایی بود. ۸ ماه بعد، اصلاحیه این قانون، به مدارس ابتدائی و راهنمایی اجازه می‌داد تا به کودکان معلول آموزش دهند.

اصلاحیه سال ۱۹۶۶ قانون پیش گفته، به دولت فدرال اجازه می‌داد تا برنامه‌ای جهت آموزش کودکان معلول در مدارس محلی تدارک ببیند. علاوه بر آن، هیأت آموزش معلولان به منظور مدیریت و اداره مراکز و اداراتی که برنامه‌های آموزشی به کودکان و جوانان معلول، ارائه می‌دهند، ایجاد شد. این مرکز به ایالات در برنامه‌های آموزشی، تحقیقات، آموزش ویژه، امور مالی و.. مساعدت می‌نمود.

کنگره همچنین، شورای همکاری ملی که امروزه شورای ملی معلولیت، نامیده می‌شود را تأسیس کرد. در سال ۱۹۶۸، «اصلاحیه قانون آموزش ابتدائی و راهنمایی» مصوب سال ۱۹۶۸، آخرین قانون آموزش ویژه بود که در سطح فدرال در دهه ۱۹۶۰ به تصویب رسید. پس از آن کمیسیون حقوق عمومی، مجموعه برنامه‌هایی جهت تقویت و تکمیل خدمات آموزشی ویژه، تدوین کرد.^{۱۰}

این برنامه‌ها که بعداً تحت عنوان «صلاحیتهای تخییری»، نام گرفتند، شامل تأمین منابع مالی مراکز تحقیقات محلی، ارائه خدمات به کودکان نیمه‌بینا، توسعه برنامه‌های رسانه‌ای، تحقیقات مستمر در آموزش ویژه و تأمین بودجه جهت تأسیس مرکزی جهت افزایش به‌کارگیری افراد متخصص و دادن اطلاعات درباره فرصتهای آموزشی برای کودکان و نوجوانان معلول بود. به موجب همین قانون بود که «مرکز اطلاع‌رسانی ملی کودکان و نوجوانان دارای معلولیت»، پایه‌گذاری شد. دو سال بعد کنگره، اصلاحیه «قانون آموزش ابتدائی و راهنمایی» مصوب ۱۹۷۰ را به تصویب رساند و قوانین و برنامه‌های پراکنده فدرال سابق در خصوص معلولان ادغام شد و تحت عنوان «قانون آموزش

10. Farrar D., *Federal policy on vocational education for exceptional students: Q & A guide to the Carl D. Perkins Act of 1990*, Reston, VA: Council for Exceptional Children, 1991.

معلولان»، نام گرفت.

در سال ۱۹۷۴، «قانون اصلاح آموزش» به تصویب رسید. این اصلاحیه در بردارنده تغییرات زیادی در خصوص برنامه‌های موجود فدرال در قانون آموزش ابتدائی و راهنمایی بود. یکی از مهمترین تغییرات آن بود که بخش نهم قانون آموزش ابتدائی و راهنمایی به اصلاحیه قانون آموزش معلولان مصوب سال ۱۹۷۴، تغییر نام داد. این قانون ایالات را ملزم می‌کرد تا یک جدول زمانی جهت دستیابی به فرصت آموزشی جامع برای کودکان معلول، ایجاد کند.^{۱۱}

پس از آن حقوق شخصی معلولان با تصویب سه قانون فدرال و اصلاحیه‌های آن، تقویت شد. این قوانین عبارت بودند از:

- «قانون توانبخشی» مصوب ۱۹۷۳.^{۱۲}

- «قانون آموزش کودکان معلول» مصوب ۱۹۷۵.^{۱۳}

- «قانون آموزش حرفه‌ای کارل پرکینز» مصوب ۱۹۸۴.^{۱۴}

این سه قانون و اصلاحیه‌های آنها در واقع هسته اصلی حمایت از کودکان معلول در برخوردارگی از فرصت آموزش به شمار می‌روند.

از دیگر قوانین فدرال در خصوص کودکان و نوجوانان معلول، «قانون حقوق آموزشی خانواده و حریم خصوصی»^{۱۵} بود. این قانون در سال ۱۹۷۴، به تصویب رسید که به والدین کودکان زیر ۱۸ سال و دانش‌آموزان ۱۸ سال و بالاتر، حق بررسی پرونده شخصی دانش‌آموزی را می‌داد.

از مهمترین مواد این قانون عبارت است از:

- والدین و دانش‌آموزان واجد شرایط حق دارند تا نمرات و سوابق آموزشی را بررسی و ملاحظه کنند.

- مدارس، قبل از خارج‌نویسی اطلاعات از پرونده و سوابق آموزشی دانش‌آموزان باید اجازه کتبی از والدین یا دانش‌آموزان واجد شرایط تحصیل نمایند.

- والدین یا دانش‌آموزان واجد شرایط از این حق برخوردارند تا سوابق توضیحات و

11. Ballard J., Ramirez B.A., & Weintraub F.J., *Special Education in America: Its Legal and Governmental Foundations*, Reston, VA: Council for Exceptional Children, 1982, p. 23.

12. The Rehabilitation Act of 1973 (P.L. 93-112).

13. The Education of all Handicapped Children Act of 1975 (EAHCA) (P. L. 94-142).

14. The Carl Perkins Vocational Education Act of 1984 (P.L. 98-524).

15. Family Education Rights and Privacy (FERPA) (P.L. 93-380).

نظرات مقامات مدرسه را در اختیار داشته باشند.
 - والدین یا دانش‌آموزان واجد شرایطی که معتقدند اطلاعات و سوابق آموزشی آنها درست نیست و به غلط درج شده است، حق دارند تا از مقامات مدرسه، تقاضای اصلاح نمایند.
 - در نهایت مدارس باید به والدین و دانش‌آموزان، اعلامیه یا اخطار سالیانه‌ای را نسبت به حقوقشان به موجب این قانون ارائه دهند.

از دیگر قوانین، «قانون حمایت از کودکان معلول»،^{۱۶} بود که در سال ۱۹۸۶، در جهت اصلاح قانون آموزش معلولان به تصویب رسید. این قانون برای وکلایی که در جهت حمایت از حقوق کودکان معلول در دادگاه حاضر شده، حق الزحمه تعیین کرده و هزینه والدین آنها را به منظور اقامه دعوا به رسمیت شناخته است. سپس «قانون حضانت موقت از کودکان معلول و مدیریت بحران»^{۱۷} در سال ۱۹۸۶ تصویب که بعداً در «قانون عدالت و مساعدت برای کودکان»^{۱۸} مصوب ۱۹۸۶ ادغام شد. این قانون منابع مالی جهت حمایت و مراقبت از کودکان معلول را پیش‌بینی می‌کرد. در سال ۱۹۸۸، اداره سلامت و خدمات بشری آمریکا، ۲ میلیون دلار را به ۱۶ ایالت جهت گسترش و تکمیل خدمات مراقبتی اختصاص داد. در سال ۱۹۸۹، این قانون به‌وسیله «قانون تجدید اعتبار حضانت موقت کودکان معلول»^{۱۹} اصلاح شد.^{۲۰}

پس از آن «قانون اصلاحی معلولیت‌های پیش‌رونده و منشور حقوق»،^{۲۱} ایالات را ملزم می‌کرد تا مراکز را جهت ارائه خدمات بیشتر به کسانی که معلولیت آنها در حال پیشرفت است و وضع آنها وخیم‌تر می‌شود، ارائه کند. «قانون مساعدت‌های فنی متناسب برای اشخاص دارای معلولیت»^{۲۲} مصوب ۱۹۸۸، که هدف اصلی آن، کمک به ایالات جهت گسترش و توسعه برنامه‌ها و امکانات جامع و نوین، برای کودکان معلول و خانواده‌های آنان بود، از دیگر قوانین حمایتی در این زمینه می‌باشد.^{۲۳}

16. Handicapped Children's Protection Act of 1986 (P.L 99-372).

17. Temporary Child Care for Handicapped Children and Crisis Nurseries Act of (1986) (P.L. 99-401).

18. Children's Justice and Assistance Act of 1986 (P.L 99-401).

19. The Child with Disabilities Temporary Care Reauthorization Act of (1989).

20. Copenhaver J, *An educator's primer: What teachers and administrators need to know about implementing accommodations for eligible individuals with disabilities*, Logan, UT: Mountain Plains Regional Resource Center, 1995, p. 18.

21. Developmental Disabilities and Bill of Right Act Amendment of (1987) (P.L. 100-146).

22. Technology – related assistance for individuals with disabilities Act of 1988 (P.L 100-407).

23. Gerry M., *Procedural safeguards insuring that handicapped children receive a free*

نهایتاً، «قانون امریکاییان معلول»^{۲۴} مصوب ۱۹۹۰ بود که هدف اصلی از آن، گسترش حقوق شهروندی و مدنی برای افراد معلول همانند دیگر افراد می‌باشد.^{۲۵} بررسی کلی قوانین فوق‌الذکر از توجه دقیق و همه‌جانبه مراجع تقنینی و اجرائی ایالات متحد به مسائل آموزشی کودکان معلول حکایت دارد، به گونه‌ای که قوانین خاص در این زمینه به تصویب رسیده و به اقتضای نیازهای زمانه دچار تحول شده است.

۲-۳. بررسی رویه قضائی ایالات متحد آمریکا

در اواسط دهه ۱۹۷۰، چندین پرونده مربوط به حق آموزش معلولان در دادگاههای برخی از ایالت‌های آمریکا مطرح شد. در یکی از این دعاوی، انجمن پنسیلوانیایی شهروندان معلول علیه انجمن مشترک المنافع پنسیلوانیا،^{۲۶} مدعی بود که خواننده تمام امکانات و خدماتی که به کودکان عادی ارائه می‌شود، به معلولان ارائه نداده است. این دعوا با سازش طرفین فیصله یافت و به موجب آن مقرر شد که ایالت نمی‌تواند حقوق و قانونی را اعمال کند که موجب شود آموزش عقب افتاده‌ها به تعویق افتد یا آنها حق نداشته باشند مانند افراد عادی، آموزش ببینند. علاوه بر آن، سازش‌نامه، ایالت را ملزم می‌کرد تا کودکان عقب افتاده‌ای که به سن مدرسه رسیده‌اند و از مدارس افراد عمومی استثنای شده‌اند، شناسایی کرده و یک برنامه آزاد جهت آموزش آنها متناسب با ظرفیت آنها، تدارک ببیند. نهایتاً آنکه سازش‌نامه، آموزش معلولان را همانند افراد عادی قرار داد.

در سال ۱۹۷۲، در دعوی دیگری والدین و سرپرستان کودکان عقب افتاده هفت ناحیه کلمبیا علیه هیأت مدیره آموزش آن نواحی از طرف کودکان که به خاطر عقب افتادگی و معلولیت از تحصیل محروم شده بودند، اقامه دعوا کردند^{۲۷} بر خلاف پرونده قبل، این پرونده از طریق حکم دادگاه علیه هیأت مدیره آموزش کلمبیا، حل و فصل شد. دادگاه چنین رأی داد که دایره آموزش نواحی کلمبیا باید تمامی امکانات آموزش عمومی را برای کودکان معلول، صرف نظر از شدت و میزان معلولیت آنها فراهم نماید.

←

appropriate public education, News Digest, 7, 1-8, 1987, p. 6.

24. American with disabilities Act of 1990 (ADA) (P.L 101-336).

25. Kupper L., *Questions and answers about the IDEA*, NICHCY News Digest, 3(2), 1-16, 1993, p. 14.

26. Pennsylvania Association for Retarded Citizens v. Commonwealth of Pennsylvania.

27. Mills v. Board of Education of the District of Columbia.

نتیجه‌گیری

هرچند قانون جامع حمایت از معلولان گام‌های خوبی را در جهت حمایت از حقوق معلولان به‌طور کلی برداشته است؛ با این همه در حقوق آموزشی مربوط به این قشر از افراد جامعه، باید اقدامات لازم برای هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی صورت گیرد. به علاوه، تجربه تاریخی در مورد قوانینی که منجر به تحول عمده در مقررات سابق می‌شوند، نشان می‌دهد که میان تصویب یک قانون و اجرای دقیق و کامل آن تفاوت وجود دارد و به نظر می‌رسد، مکانیسم‌های عملی و اجرایی، به موازات حقوق و تکالیف در نظر گرفته شده در قانون جامع، اندیشیده نشده است.

در چشم‌انداز بین‌المللی، متأسفانه هیچکدام از اسناد جهانی به بررسی دقیق و ماهوی حقوق آموزشی کودکان کم‌توان پرداخته‌اند و به نظر می‌رسد که این امر به خود کشورها واگذار شده است تا بسته به توانایی‌های آموزشی و مالی در این زمینه اقدام نمایند. البته به موجب بند ۳ ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک، «... باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی - بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی می‌شود، دسترسی مؤثر داشته باشد».

بنابراین در درازمدت و برنامه‌ریزی‌های کلان - به رغم تصور برخی از مردم و حتی بعضی از کارشناسان و متخصصان - هدف از آموزش و پرورش کودک کم‌توان، نباید صرفاً پر کردن اوقات فراغت و سرگرم نمودن ایشان باشد، بلکه همانگونه که بند ۳ ماده فوق مقرر داشته، کودکان کم‌توان باید از طریق آموزش و پرورش صحیح، قاعده‌مند و برنامه‌ریزی شده برای آینده مطمئن و موفقیت‌های شخصی، خانوادگی و اجتماعی آماده شوند. لذا هرگونه برنامه‌ریزی برای آموزش و پرورش کودکان کم‌توان در کشورمان نیز باید با در نظر گرفتن این معیارها و به منظور رسیدن به اهداف عالی فوق‌الذکر باشد.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code
(A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study